

مقدمه

در دنیای امروز، سرمایه‌گذاری برای آموزش، عامل کلیدی فرایند توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. آموزش عالی، کانون تربیت نیروی انسانی متخصصی است که می‌تواند با برخورداری از ایده‌ها و اندیشه‌های نو، توان مضاعفی را در شریانهای حیاتی جامعه تزریق کند. نظام آموزش عالی و از جمله دانشگاهها و مراکز تربیت نیروی انسانی، طراح اصلی و بنیانگذار چارچوب اساسی برنامه رشد و پیشرفت جوامع محسوب می‌شوند. (خوش‌فر، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲)

امروزه قدرت، در برخورداری از دانش پیشگام نهفته است. پس می‌توان آموزش عالی و پژوهشهای مرتبط با آن را از بنیادهای تضمین امنیت ملی، توسعه ملی و حتی بقای جوامع دانست. در سده ۲۱، عامل تعیین‌کننده توسعه کشورها، پردازش و داد و ستد اطلاعات از یک سو و تولید دانش از سوی دیگر خواهد بود (شعبانی ورکی و آهنچیان، ۱۳۸۵، ص ۴۰). با ملاحظه نوع آموزش عالی کشور و همچنین روند رو به گسترش آموزش عالی به سمت دنیای مجازی، آنچه نمود می‌یابد آن است که باید همگام با جهان حرکت کرد تا از کاروان توسعه باز نماند. در شرایط کنونی، ادامه روند گذشته در زمینه مالکیت و مدیریت ابزار تولید، با شرایط بازار و رشد فناوری‌های نو و پیشرفته سازگار نبوده، ناگزیر باید عرصه فعالیتهای دولت به زمینه‌های حاکمیتی، تنظیمی و راهبری اقتصادی و تأمین هزینه‌ها محدود شود تا کارایی را افزایش دهد؛ زمینه‌هایی چون: سرمایه‌گذاری در فعالیتهایی با آثار خارجی مثبت و ارزش اجتماعی مانند سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و آموزش عالی در این راستا می‌باشند. (درکی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴)

توجه به دنیای پیرامون برای تدوین اهداف متناسب‌تر آموزش عالی و حرکت به سمت توسعه و نوآوری می‌تواند ما را به جامعه‌ای پیشرفته تبدیل کند. شناخت روند جهانی شدن و حرکت در مسیر آن، از الزاماتی است که ناگزیر از آن هستیم و باید به آن توجه کنیم. نادیده گرفتن تأثیرات آن بر روند آموزشی ما و به خصوص در آموزش عالی بسیار پرهزینه است.

مفهوم جهانی شدن

از نظر گیدنز، جهانی شدن عالی‌ترین مرتبه مدرنیته و تجدد است. برای عده‌ای دیگر، جهانی شدن دارای بُعد ارزشی و پیام‌آور جهانی هم‌آوا با دموکراسی صلح‌جویانه کانت است. برخی جهانی شدن

۳۷ ♦ بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن

را ضد ارزش می‌دانند؛ زیرا آثار نامعلوم و مخرب بر اقتصادهای در حال توسعه بر جا می‌گذارد. کسان دیگری، جهانی شدن را ایدئولوژیک تلقی می‌کنند و چنین می‌پندارند که در مرحله جهانی شدن، ضرورتی برای حضور نیروهای نظامی وجود ندارد. مارکسیست‌ها هم جهانی شدن را به معنای جهانی کردن نظم و قانون به وسیله طبقه کارگر معنا می‌کنند. (مظفری، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

علاوه بر این، گیدنز، جهانی شدن را فشردگی روابط اجتماعی بین‌الملل می‌داند؛ به گونه‌ای که رویدادهای محلی در مناطق دوردست تحت تأثیر رویدادهای مناطق دورتر و بالعکس رخ می‌دهند (Giddens & Hutton, 2001, P.64). توجه هاروی (۱۹۸۹) بر مفهوم فشردگی زمان و مکان است؛ به طوری که جهانی شدن در اساسی‌ترین سطح خود به تغییرات ساختاری در فرایندهای تولید و توزیع اقتصاد جهانی اطلاق می‌شود که این تغییرات، بازتاب بسیاری از اقدامات جهانی است که با فشارهای گسترده و فرصتهای فوق‌العاده ناشی از به کارگیری روزافزون و یکپارچه اطلاعات پیشرفته و فناوری ارتباطی در درون فرایندهای تجاری (تولید، بازاریابی و توزیع) عرضه می‌شود (Ogburn, 2003). به بیانی دیگر؛ چنانکه «مک‌گرو» جهانی شدن را فرایندی دانسته که به وسیله آن، حوادث، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیتها در یک قسمت از جهان می‌توانند نتایج مهمی بر روی اشخاص و جوامع در نقاط دیگر دنیا داشته باشد (McGrew, 1992)؛ جهان یک تصمیم‌گیری مشترک اعضا را می‌طلبد که در حوزه دانش و آموزش عالی، باعث تحول اساسی در ساختارهای جهانی شود.

مک‌گرو معتقد است افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولتها و در نتیجه، فراتر از جوامع دامن می‌گستراند، نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیتهای یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخشهای بسیار دور کره زمین در بر داشته باشد. (Ibid)

«آلبرو»، جهانی شدن را فرایندی دانسته که بر اساس آن، تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند. به عبارت دیگر؛ از دیدگاه مک‌گرو و آلبرو، جهانی شدن فرایند یکپارچگی مردم جهان در جامعه واحد است؛ به نحوی که حوادث و اتفاقات در نواحی دوردست، سبب شکل‌گیری رخدادهای محلی می‌شوند. جهانی شدن سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از دولتها شده و از اهمیت مرزها و فواصل جغرافیایی می‌کاهد. (Albrow, 1996)

عده‌ای دیگر، فرایند جهانی‌سازی را با جهانی‌گرایی یکسان نمی‌دانند و معتقدند: در مباحث کنونی، جهانی‌گرایی به معنی بسط و گسترش و انتقال تمدن و فرهنگ آمریکایی به سایر کشورهای جهان است؛ در صورتی که جهانی‌شدن یعنی: به استقبال یک جهان رفتن، آشنا شدن با فرهنگهای دیگر، احترام گذاشتن به آرا و نظریه‌های دیگران و نه نفی دیگران و نفوذ در فرهنگ آنها.

به‌طور کلی چهار روند اساسی جهانی‌شدن، شامل «رقابت میان قدرتهای بزرگ»، «نوآوری‌های فناورانه»، «جهانی‌شدن تولید»، «مبادله و تجدد و نوگرایی» بوده و برخی از ویژگی‌های عمده آن عبارتند از: حاکم شدن تمدن الکترونیک در جهان، رشد تفکر جهانی، ارتباطات متقابل فرهنگهای مختلف جهان، نظم‌دهی مجدد زمان و مکان و تشدید روابط بین‌المللی و باز شدن مرزها. (دعایی و عالی، ۱۳۸۴، ص ۱۳-۱۰)

«بارنسون» مشخصات جهانی‌شدن را شامل از بین رفتن مرزهای تجاری و یکپارچه شدن تجارت جهانی، انتقال سریع سرمایه، انتقال فناوری و افزایش مصرف‌گرایی در سطح جهانی دانسته است. (به کیش، ۱۳۸۰، ص ۲۶)

جهانی‌شدن علاوه بر اینکه فرایندهای رقابت جهانی را منعکس می‌کند، در بر دارنده شدت یافتن همکاری‌هایی در زمینه تقسیم کار جهانی میان‌بخشی است که تأمین‌کننده انرژی، تولید انبوه و ارائه خدمات و نیز پردازش فناوری و ابتکارات است. بنابر این، نظم جهانی باثبات، شامل قدرتهای بزرگ و متحدان و کشورهای مشتری آنها نیست؛ بلکه جهانی‌شدن به معنای تغییری اساسی در نظم جهانی است؛ زیرا بلوکهای منطقه‌ای جدید ظهور می‌کنند؛ دشمنان قدیمی، متحدان جدید می‌شوند و بر عکس، فناوری‌های پیشرفته و فرهنگ جهانی، مرزهای ملی را نادیده می‌گیرند. جهانی‌شدن، ارتباط تنگاتنگ و حتمی با ظهور جامعه‌ای معرفتی دارد که کالای بازار آن، اجناس نمادین، نشانه‌های جهانی، شمایلها و تخصص علمی است و باز هم مفاهیم گسترده‌ای در جهانی‌شدن هست که به موضوعات زیست‌محیطی، عدالت و برابری مربوط می‌شود. (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵-۲۲۴)

ابعاد جهانی‌شدن

جهانی‌شدن دارای ابعاد متعددی است که مهم‌ترین آنها، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی است. بُعد اقتصادی از تبدیل جهان به جهانی بدون مرزهای اقتصادی و نظامهای اقتصادی در حال ادغام خبر می‌دهد (Marber, 1998). بُعد فرهنگی جهانی‌شدن، بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی‌شدن فرهنگ است. بُعد سیاسی جهانی‌شدن

۳۹ بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن

موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها قدرتمند شده و بتوانند دولت‌ها را تحت تأثیر تصمیمات، برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار دهند (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۱). بُعد علمی نیز به توسعه ارتباطات جمعی و پیشرفتهایی که در عرصه تأثیر ارتباطات و علوم روز به وقوع پیوسته است اشاره دارد.

جهانی‌شدن در پی خود، الزاماتی را در بر دارد از جمله: دسترسی به اینترنت و دیگر وسایل ارتباطی، توانایی مهاجرت از یک جامعه به جامعه دیگر برای اقامت یا بازگشت، توانایی بردن فرهنگ خود و شمایل فرهنگی آن به جوامع دیگر و مواجهه با فرهنگی مرکب هنگام ورود به آن جوامع و توانایی خرید محصولات، خدمات و شمایل‌های فرهنگی گوناگون در سراسر جهان (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۲۵). جهانی‌شدن، تأثیرات پیچیده‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حقوق خواهد داشت که با در نوردیدن فاصله‌های زمانی و مکانی، ابعادی جهانی می‌یابند. این فرایند، محصول طبیعی گسترش و پیشرفت فناوری‌های ارتباطی است. (نهادیان، ۱۳۸۶، ص ۹۲)

جمع‌آوری، انباشت، تجزیه و تحلیل و انتقال حجم انبوهی از اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان و دسترسی به آن برای افراد ذی‌نفع، از مهم‌ترین شاخصهای جهانی‌شدن است. فناوری اطلاع‌رسانی با به حداقل رساندن عامل زمان و مکان و کاهش هزینه، توانسته است تحوّل اساسی در ظرفیتهای اقتصادی و تصمیم‌گیری مدیریتی فراهم کند که این تحوّل‌ها برای آموزش عالی نیز مؤثر بوده است. (فورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵)

به طور خاص در حوزه سیاست در شرایط جدید جهانی، قدرتهای تازه‌ای پا به عرصه روابط بین‌الملل می‌گذارند که خواهان تغییر معادلات سنتی به سود خود باشند. پراکندگی مراکز قدرت در جهان؛ تغییر ماهوی قدرت؛ محور قرار گرفتن منافع ملی قدرتهای بزرگ که بیشتر غربی هستند؛ محدود شدن عرصه بین‌المللی برای نظامهایی که با ساختار تازه نظام بین‌الملل همسو نیستند، مانند نظامهای رادیکال؛ گسترش فزاینده علم و فناوری؛ شتاب گرفتن تولید جنگ‌افزارهای هسته‌ای و گسترش فناوری نظامی به مثابه حربه‌ای سیاسی در اجرای اهداف سیاست خارجی؛ نفوذپذیر شدن مرزهای کشورها و در نتیجه، انتقال و تسری آثار رویدادها از هر کشور به دیگر واحدهای سیاسی؛ افزایش باور نکردنی مشکلات کشورهای توسعه‌نیافته؛ تبلور مفاهیم جدید با درک مشترک در زمینه دموکراسی، حقوق بشر، نظام اقتصاد آزاد، محیط زیست، مواد مخدر و ... در جهان، به وقوع می‌پیوندد.

در حوزه فرهنگ، برخی از فناوری‌های اطلاع‌رسانی در دست رسانه‌ها، به صورت بالقوه، هم می‌توانند در خدمت تمرکز فرهنگی باشند، هم در راستای پراکندگی فرهنگی به کار گرفته شوند. در نتیجه، در این فرایند تنوع فرهنگی، هم آمریکا و اروپا در جهت فرهنگ خاص خود حرکت خواهند کرد و هم دیگر قدرتهای جهان خواهند توانست از طریق رسانه‌های جمعی و تولیدات فرهنگی، صادرکننده فرهنگ بومی خود باشند. رئالیستها در حوزه روابط بین‌الملل که اندیشه‌هایشان پس از جنگ جهانی دوم در غرب و در میان پیروان غرب در جهان سوم طرفدار داشته و هنوز هم دارد، فرهنگ و تاریخ و مذهب و آثار آنها را در روابط بین‌الملل، در حاشیه سیاست جهانی می‌دیدند؛ اما اکنون که الگوهای گذشته ایشان پاسخگوی دگرگونی‌ها و مشکلات بین‌المللی نیست، به وجود و تأثیر فرهنگ در روابط بین‌الملل اعتراف کرده‌اند. بر کسی پوشیده نیست که امروزه شبکه‌های ارتباطی، ارائه‌کننده زبانی مشترک برای درک و شناخت در میان جوامع گوناگون هستند. توسعه روزافزون رسانه‌های گروهی، بولتن‌بردهای کامپیوتر و تلویزیون کابلی، دستگاههای ضبط ویدیویی، گسترش چشمگیر کاربرد رایانه‌های شخصی، آموزش یکسویه اینترنت به زبان انگلیسی، رواج برنامه‌های نرم‌افزاری، امکان دریافت فیلم و نشریات از شبکه‌های جهانی و ... به افزایش تشابهات فرهنگی کمک کرده است.

به طور خاص، جهانی‌شدن اقتصاد، پدیده‌ای جدید نیست؛ بلکه در گذشته نیز مورد توجه بوده است. آنچه جدید به نظر می‌آید، شتاب و سرعت آن در دهه‌های اخیر است؛ چنانچه در سالهای اخیر، افزایش تبادل کالا، خدمات، سرمایه و فناوری به حدی بوده که منجر به تغییرات وسیعی در نحوه توزیع قدرت تصمیم‌گیری در اقتصاد جهانی شده است. به علاوه، تغییرات فراوانی در حوزه اقتصاد ملی به واسطه ارتباطات جدید، ایجاد شده و سبب شده الگوهای ملی اقتصاد، ناگزیر به انطباق خود با نیازهای جدید جهانی‌شدن، رو آورند. رابرتسون معتقد است: «جهانی‌شدن چونان یک مفهوم، معطوف است به فشردگی جهان و تشدید آگاهی از جهان به عنوان یک کل» (Robertson, 1992, P.8). همچنین توجه به مفهوم واژه جهانی‌شدن به طور عمیق باعث می‌شود تا به جهانی‌شدن به عنوان یک عنصر فراگیر و جدید نگریسته شود. «کوک»، جهانی‌شدن را فرایندی می‌داند که باعث بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری می‌شود. جهانی‌شدن و اصلاحاتی که آن را حمایت می‌کنند، اقتصاد جهانی را ایجاد می‌کنند که شبیه اقتصاد ملی است و جریان آزاد سرمایه،

۴۱ ♦ بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن

درآمد و کالاها را به دنبال دارد (Cook & Kirk, 1997, P.139). در این ارتباط، کهلر معتقد است که این دسته از تعاملات با پیشرفتهای فناوریانه، بیشتر شده است. (Kohler, 2003)

اما امروزه جهانی شدن از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر رفته و علم، فرهنگ و کسب زندگی را در بر گرفته است. جهانی شدن پدیده‌ای است که قابل تسری به اشکال گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و زیست محیطی است. (کومسا، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳-۱۸۲)

پیامدهای جهانی شدن

پیامدهای جهانی شدن را می‌توان در دو وجه مثبت و منفی بررسی کرد. پیامدهای مثبت جهانی شدن شامل افزایش استانداردهای زندگی میلیونها نفر از مردم جهان از طریق افزایش فرصتهای شغلی، گسترش راههای دستیابی به آموزش، بهداشت و اطلاعات، بسط آگاهی راجع به نیاز به اصلاح و توسعه فرصتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای زنان و اقلیتها، افزایش فرایندهای دموکراتیک تصمیم‌گیری در سطوح ملی و محلی، افزایش جنبشهای بین‌المللی برای نهادینه‌سازی دولتها و بهبود شرایط زیست محیطی بوده است. پیامدهای منفی جهانی شدن را نیز می‌توان شامل حاشیه‌نشینی بیشتر کسانی که نمی‌توانند از سیلان کالاها، خدمات، سرمایه و اطلاعات به علت فقر مالی استفاده کنند، مجازات برای جوامعی که تمایل به پذیرش روند جهانی‌سازی ندارند، افزایش آسیب‌پذیری مالی به خاطر عدم وابستگی بازارهای مالی به دولت واحد و انبوه سرمایه‌های مالی دانست. برخی دیگر از پیامدهای منفی جهانی شدن عبارتند از: افزایش صدمات محیطی، بیماری‌ها، تعارضات بین مرزی، مهاجرت، عدم ثبات سیاسی و جرم و جنایت، افزایش تعارض بین کسانی که از فرایندهای جهانی‌سازی سود می‌برند و کسانی که سود نمی‌برند و توسعه و گسترش اختلافات اخلاقی، مذهبی و تفاوت‌های فرهنگی. (معدن‌دار، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱)

عناصر جهانی شدن

«نوآوری» و «اطلاعات» دو رکن اصلی جهانی شدن محسوب شده و در عوض آنها هم اطلاعات بس فشرده و گسترده‌ای را به همراه دارند. صنایع اطلاعاتی جهانی شده‌ای که به سرعت رشد می‌کنند، خدمات و کالاها را دانستنی را خلق می‌کنند. امروزه تحرکات گسترده سرمایه، بر اطلاعات، ارتباطات و دانش بازارهای جهانی متکی‌اند. دانش، با توجه به قابل حمل بودن آن، تناسب سهل و

ساده‌ای را با جهانی‌شدن پیدا کرده است. (کارنوی، ۱۳۸۴، ص ۱۴)

«نوآوری» در شرایط جهانی‌شدن، عنصر بارز مطرح در ارتباط با توسعه و پیشرفت است. نوآوری، مفهومی گسترده دارد و در تبیین مفهوم آن می‌توان در ارتباط با مفاهیمی که در آینده‌اندیشی در باب آینده‌های مختلف مطرح خواهند شد، توضیح اولیه و غیر جامع ارائه کرد.

ترازهای مختلف نوآوری را می‌توان با کشف امکانات موجود در سه تراز؛ «آینده‌های ممکن الوقوع»، «آینده‌های محتمل» و «آینده‌های مطلوب» به شمار آورد. هر چند فرایند نوآوری هنوز به خوبی تبیین نشده، اما تحقیقات تجربی، طی چند دهه گذشته انجام شده و چند نکته اساسی را در این زمینه روشن کرده است:

الف) نوآوری فناورانه به نحوی بنیادی با عنصر عدم قطعیت همراه است و نمی‌توان برندگان و بازندگان این عرصه را از پیش معین کرد. همچنین، کوشش برای برنامه‌ریزی دقیق نوآوری یا پیش‌بینی نتایج آن، با توفیق قرین نمی‌شود.

ب) اگر چه برنامه‌ریزی برای تعیین مسیر دقیق نوآوری ممکن نیست، اما ایجاد محیط مناسب می‌تواند به ظهور نمونه‌ها و موارد نوآوری کمک کند و به آن شتاب بخشد.

ج) عناصر لازم برای ایجاد محیط بهینه نوآوری، مشتمل بر ساختار صنعتی، اندازه مؤسسات و شرکتها، واحدها و بنگاهها، قوانین حقوقی ناظر بر حمایت از تولیدات معنوی، نقش حکومتها و دولتها و نظایر آن، از بخشی به بخش دیگر و نیز در درون هر بخش تفاوت می‌کند.

د) نوآوری‌های سریع، همواره ارتباطی نزدیک با تحقیقات علمی، فناورانه و مهندسی دارند؛ هر چند ماهیت این ارتباط در همه جا و در مورد همه رشته‌ها یکسان نیست. (پایا، ۱۳۸۵، ص ۵۶-۵۵)

امروزه نوآوری، تجارتي است که به نحو فزاینده‌ای تأثیر را به پیش می‌راند. این تحول، همراه با تحوّل از رهگذر جهانی‌شدن و پیدایش امکانات متنوع در تراز بین‌المللی برای تولید دانش فنی و محصولات فناورانه پدید آمده است. (همان، ص ۵۷)

از مهم‌ترین عوامل مدرسان به رشد نوآوری در جامعه، وجود طبقه‌ای است که از آن با عنوان «طبقه خلاق» یاد می‌شود. طبقه خلاق شامل متفکران، دانشمندان، استادان، مهندسان، هنرمندان،

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی‌شدن ♦ ۴۳

نویسندگان، مدیران، افراد حرفه‌ای و همه کسانی است که با فعالیتهای مفهومی و خلاق سر و کار دارند. از این رو، به نوعی می‌توان طبقه خلاق را افرادی دانست که با آموزش عالی سر و کار دارند و جزء نخبگان محسوب می‌شوند. (همان، ص ۶۰)

دانشگاه و جهانی‌شدن

دانشگاهها بیش از هر چیز و هر جا، با جهانی‌شدن درگیر هستند که دلیل آن، ماهیت و ویژگی‌های غیر شخصی و کلی معرفت در دانشگاههاست. جهانی‌شدن دانشگاهها را عده‌ای رد، برخی پذیرفته و عده دیگری با این تلقی که دانشگاه جهانی شده، نه به دنبال تربیت شهروند خوب، که به دنبال رضایت مشتری (دانشجو) است، با آن به مخالفت برخاسته‌اند. هم اکنون بیشترین تأثیر جهانی‌شدن بر دانشگاهها در حوزه تولید علم است. جریان جهانی اطلاعات و داده‌ها از اصلی‌ترین ویژگی‌های اقتصاد دانش است. جهانی‌شدن، دانشگاهها را جذب نظام تولید علم توزیع یافته کرده که همین امر، آنها را وارد ائتلافها و همکاری با دانشگاههای دیگر می‌کند. (کینگ، ۱۳۸۵، ص ۲۱)

در خصوص تأثیر جهانی‌شدن بر مؤسسات آموزش عالی، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، نقش دولت در آموزش عالی، مشارکت و همکاری مؤسسات آموزش عالی با مؤسسات دیگر و نقش فرهنگی آموزش عالی باید گفت: برخی از صاحب‌نظران، تحولات جهانی‌شدن را برای آموزش عالی مثبت ارزیابی می‌کنند؛ در حالی که گروهی دیگر از محققان، نگاهی انتقادی به این موضوع دارند.

به اعتقاد گروه کثیری، جهانی‌شدن و امکان دسترسی به آموزش جهانی می‌تواند باعث رشد شخصیت‌های چند بُعدی و کسب دانش و مهارت در زمینه‌های مختلف شود. از این رو، امکان موفقیت آنها در مشاغل مختلف بالاست. در واقع؛ قادرند در صورت لزوم، حیطة کاری خود را تغییر داده و با تکیه بر دانش و مهارتهای چند بُعدی خود، در عرصه رقابتهای بین‌المللی پابرجا بمانند (Walker, 2001; Sundaran, 2001). همچنین «نایت» (۱۹۹۷) معتقد است که باید بحث کرد آیا جهانی‌شدن به خودی خود یک هدف یا آن گونه که اغلب گفته شده، وسیله‌ای برای نیل به هدف است؟ فرض این است که با ارتقای بین‌المللی شدن زمینه‌هایی چون تدریس و پژوهش، به کیفیت نظام آموزش عالی افزوده خواهد شد. روشن است که جهانی‌شدن برای اهداف مؤسسه‌های آموزش عالی، مسئله اصلی است نه یک مسئله حاشیه‌ای. (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴)

با توجه به اینکه جهانی شدن، منبع تعاملات گسترده‌ای در عرصه‌های علمی و فرهنگی است، لزوم بررسی این اثرات به خصوص در آموزش عالی ایران و متعاقب آن تغییرات اجتناب‌ناپذیر در اهداف آموزش عالی کشور، از زمینه‌های مهم و شایسته توجه است.

آموزش عالی

آموزش عالی به نوعی از آموزشها گفته می‌شود که برای بالا بردن سطح مهارتهای کاربردی افراد، تأمین نیروی انسانی متخصص، توسعه میراث فرهنگی، خلق افکار تازه و ایجاد روحیه پژوهش ارائه می‌شود. آموزش عالی، صنعتی جهانی است که در تمام کشورهای توسعه‌یافته و در اکثر کشورهای در حال توسعه با زمینه‌ها و مقاصد مختلف وجود دارد. در برخورد با الزامات قرن ۲۱، مؤسسات آموزش عالی دستخوش اصلاحاتی در زمینه افزایش نقش اقتصادی دانش، اطلاعات و فناوری شده‌اند. (Bassett, 2006, P.20)

«باست» با تأکید بر اینکه جهانی شدن بر آموزش عالی تأثیر دارد، معتقد است اگر دانش، بنیادی جهانی دارد؛ جهانی شدن باید تأثیر عمیقی بر انتقال دانش داشته باشد. لذا جهانی شدن بر آموزش عالی تأثیر خواهد گذاشت و آموزش عالی باید در مقابل فشارهای جهانی از طریق آزمون و تحقیق بایستد (Ibid, P.8). این در حالی است که «کویک» معتقد است با عنایت به تأثیرات سیاسی جهانی شدن بر مؤسسات آموزش عالی، اکنون در سطح جهانی، رویکردهای قدرت-دانش جدیدی به وجود آمده و ماهیت قدرت و عوامل پدیدآورنده آن دگرگون شده است؛ از این رو، ماهیت دانش و ویژگی‌های آن نیز ضرورتاً مستلزم بازنگری خواهد بود (Kwiek, 2001). توجه به تغییر و بازنگری در ماهیت دانش، به طور مستقیم به نهاد متولّی تولید و توسعه دانش مربوط است و تأثیر آن به طور خاص، در آموزش عالی مشاهده می‌شود.

برخی تأثیرات خاص جهانی شدن بر آموزش عالی، شامل تغییر در ساختارها، افزایش میزان تولید دانش، دگرگونی جمعیت دانشجویان، تغییر در انتظارات جامعه از آموزش عالی و تسلط الگوی بازار بر آموزش عالی بوده است (Eggin, 2003, P.70-71). «تیچلر» یادآوری می‌کند که آموزش عالی در گستره جهانی، به واسطه سیاستهای اقتصادی دولتها، به سمت بازاری شدن پیش می‌رود و هدف آن، تربیت کارشناس برای تجارت جهانی است و این شگفت‌آور است که جهانی شدن در آموزش عالی، به طور

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۴۵

ناگهانی بر بازاری شدن تمرکز یابد؛ در حالی که به نظر وی، به شدت باید دانش جمعی، فهم حضور در دهکده جهانی، درک و هوشیاری جهانی مورد توجه قرار می گرفت. (Teichler, 2004, P.23)

آموزش عالی در ایران نیز بی تأثیر از روند جهانی شدن نبوده است. بنابر این، باید در تدوین اهداف و برنامه ریزی های خود در آموزش عالی، به روند جهانی شدن و تأثیرات و پیامدهای آن در بخشهای مختلف از جمله در حوزه اقتصادی توجه داشته باشیم.

در خصوص جهانی شدن و تأثیر آن بر اهداف آموزشی، تحقیقات محدودی در ایران انجام شده که هیچ کدام از آنها در حوزه آموزش عالی نبوده است. در این ارتباط، «دستبرد» (۱۳۸۲) به بررسی تأثیر جهانی شدن بر تعلیم و تربیت پرداخته و اهداف غایی تعلیم و تربیت مد نظر وی بوده است. همچنین «احمدی» (۱۳۸۲) به بررسی آثار و پیامدهای جهانی شدن بر آینده سیاسی و فرهنگی اقوام پرداخته است. در خارج از کشور نیز صاحب نظرانی از جمله «دلروساریو» تأثیر جهانی شدن بر آموزش را تبیین کرده (Del Rosario, 2003) و حتی «مدینا» به بررسی تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی پرداخته است. (Medina, 2003)

بنابر این، مسئله اساسی این پژوهش، بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن از دید اعضای هیئت علمی دانشگاههای شهر تهران بوده است. در این راستا، دو سؤال پژوهشی ذیل، مطرح و بررسی شده است:

۱. پیامدهای بُعد اقتصادی جهانی شدن بر اهداف آموزش عالی ایران کدام است؟

۲. اهداف آموزش عالی ایران در انطباق با بُعد اقتصادی جهانی شدن، چگونه باید باشد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر در پی بررسی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن بوده و بر این اساس، روش انجام پژوهش، کیفی بوده است.

جامعه پژوهش، همه اعضای هیئت علمی دانشگاههای شهر تهران در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ بوده اند که با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند، ۵۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شده اند.

ابزار پژوهش، فرم پرسشنامه باز پاسخ بوده است؛ بدین ترتیب که سؤالات کلی در خصوص موضوع پژوهش، مطرح شده و اعضای هیئت علمی دانشگاهها دیدگاه خود را به طور مبسوط در

زمینه‌های مختلف تشریح کرده‌اند.

شیوه تحلیل داده‌ها: داده‌های جمع‌آوری شده با توجه به اهداف و روش پژوهش، گردآوری و طبقه‌بندی و با استفاده از تحلیل توصیفی، فراوانی‌سنجی و در راستای بررسی سؤالهای پژوهش بحث شده است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

۱. عمده‌ترین پیامدهای اقتصادی جهانی‌شدن برای آموزش عالی

به‌طور کلی چالشهای آموزش عالی ایران در قرن ۲۱، از نوع چالشهایی است که جامعه جهانی با آنها روبه‌روست. پس از انقلاب صنعتی و در پی آن انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰، ضرورت ادغام رشته‌های تخصصی و تبیین سرفصلهایی که به شناخت روابط متقابل بین پدیده‌ها بپردازند، مهم‌ترین چالش آموزش عالی بوده است. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۵۹)

افزایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، توجه به دانشگاههای مجازی و همچنین استفاده از فناوری ماهواره در راه‌اندازی نظام آموزش از راه دور به شکل آموزش همزمان از روی شبکه یا غیر همزمان، برای پوشش متقاضیان رو به تزاید آموزش عالی، از نتایج جهانی‌شدن و توسعه ارتباطات بوده است. تنوع‌بخشی به منابع مالی و تغییر جهت از بودجه‌های دولتی، دانشگاهها را با چالشهای نوینی روبه‌رو کرده است؛ به نحوی که تضاد بین دغدغه‌های علمی و پاسخگو بودن به نیازهای جامعه باید به نحوی حل شود. از این رو، به منظور افزایش سازگاری دانشگاهها با تحولات بنیادی در روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ضرورت تغییر ساختار اداری دانشگاهها احساس شد. (همان، ص ۳۶۱)

امروزه فقدان یا کاهش بودجه‌های آموزش عالی با فراگیر شدن مفاهیمی چون «آموزش عالی بدون مرز» و با سودآور شدن نهادهای آموزش عالی، مرتفع شده و آموزش عالی به عنوان بازاری جهانی مطرح است. برخی از صاحب‌نظران، مهم‌ترین ویژگی مفهوم جهانی‌شدن را جریان سرمایه، افراد، اطلاعات، فرهنگ و مانند آن از طریق بزرگراههای مختلف بین مناطق جهان دانسته‌اند. در بُعد اقتصادی، جهانی‌شدن نه فقط به آزادسازی، بلکه به توسعه بازار جهانی که به وسیله بنگاههای جهانی تقویت می‌شود، منجر شده و بازیگران اقتصادی و سیاسی محلی، نفوذ خود را به تدریج از دست می‌دهند. به عبارت دیگر؛ دولت-ملت‌ها از این حیث، حاکمیت و نفوذ سریع خود را از دست

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۴۷

می‌دهند و بزرگ‌ترین وظیفه دولت، تطبیق ساختار اقتصاد داخلی با ضرورت‌های رقابت بین‌المللی خواهد بود. (کینگ، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

جهانی‌سازی از لحاظ اقتصادی در بر دارنده نظام مالی بدون دولت، توزیع گسترده سرمایه جهانی و جریان پولی، افزایش سهم معاملات جهانی و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به وسیله شرکت‌های فراملی و نوعی نظام سلطه از طریق فناوری وارداتی است. (معدن‌دار، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹)

عوامل اقتصادی همچون: تقاضای بالا، بودجه کمتر دولتی، یادگیری مادام‌العمر و سرمایه‌گذاری خصوصی بیشتر در زمینه آموزش عالی در سرتاسر جهان مشابهند (کینگ، ۱۳۸۵، ص ۲۴). این امر در کشور ما نیز مطرح بوده و از چالش‌های آموزش عالی ایران، تقاضای زیاد و کمبود بودجه است.

چالش جهانی به همراه چالش‌های خاص آموزش عالی ایران، ضرورت نزدیک شدن اهداف آموزش عالی به مقوله تسریع در اشتغال را مطرح کرده است. به نظر می‌رسد در رشته‌های علوم پایه و مهندسی، کاربردی‌ترین آنها مورد استقبال بهتری قرار می‌گیرند؛ زیرا زمینه جذب به بازار کار برای این رشته‌ها بیشتر است. همچنین رشته‌های خاصی از علوم انسانی که زمینه اشتغال سریع آنها در بخش آموزش و پرورش میسرتر است، بیش از سایر رشته‌های علوم انسانی دارای منزلت علمی شده و مورد توجه دانشجویان قرار می‌گیرند به علاوه، سودمحوری در آموزش عالی جهانی، موجب رشد دوره‌های درسی در موضوعات سودآور و زودبازده مثل علوم رایانه و بازرگانی و عدم توجه به رشته‌های اجتماعی شده است. (قورچیان و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۵۸)

جهانی‌شدن بیش از هر چیز و هر جا، به دلیل ویژگی‌های غیر شخصی و کلی معرفت و فعالیت علمی، در دانشگاه حمایت می‌شود. آموزش عالی امروزه در جهان به عنوان بخشی تجاری مورد توجه قرار گرفته و دانش و اطلاعات به عنوان کالایی گرانبها در حال مبادله است.

چرا آموزش عالی به عنوان بخشی تجاری مورد نظر قرار گرفته است؟ برای پاسخ به این پرسش، تنها کافی است بدانیم که در سال ۱۹۹۹، آموزش عالی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) رقم ۳۰ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده، که معادل ۳٪ کل مبادلات خدماتی در کشورهای عضو بوده است.

طبق طبقه‌بندی GATS، چهار نوع مبادله خدمات می‌تواند در عرصه آموزش عالی مطرح باشد:

۱. عرضه فرامرزی: همان حالت عادی تجارت کالا است؛ یعنی فقط خدمات از مرزها عبور می‌کنند. با گسترش زمینه‌های آموزش از راه دور، الکترونیک و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، در آینده، این نوع مبادله کالا در آموزش عالی، جایگاه چشمگیری خواهد داشت.
 ۲. مصرف در خارج: مصرف‌کننده خدمات آموزشی، برای استفاده از آن به کشور خارجی سفر می‌کنند. در حال حاضر، انتقالات دانشجویی بین‌المللی بیشترین سهم بازار خدمات آموزشی را دارد.
 ۳. حضور بازرگانی: شعبه‌های محلی دانشگاه‌های خارجی یا مشارکت آنها با دانشگاه‌ها یا مؤسسات داخلی، نمونه‌هایی از حضور بازرگانی فراهم‌کنندگان آموزش عالی در خارج از کشور خود است.
 ۴. حضور اشخاص حقیقی: یک شخص حقیقی اعم از استاد یا محقق، به کشور خارجی سفر می‌کند تا نوعی از خدمات آموزشی را با یک مبنای موقت فراهم کند. (کینگ، ۱۳۸۵، ص ۲۵ و ۳۱-۳۰)
- در شرایط جهانی شدن می‌توان به مبادله نوع اول اشاره کرد که با انفجار اطلاعات و ارتباطات، آموزش عالی به عنوان کالا یا خدمات می‌تواند از طریق برقراری دانشگاه‌های مجازی و همچنین آموزش از راه دور به مشتریان عرضه خدمات کند. چنانچه امروزه آموزش عالی در شرایط جهانی شدن، با گونه‌ای از آموزش با نام آموزش بدون مرز سر و کار دارد. ویژگی جهانی شدن آموزش عالی را می‌توان در آموزش عالی بدون مرز در سه حوزه زمان، مکان و سطح چنین بیان کرد: در آموزش بدون مرز، مواد آموزشی همواره در شبانه‌روز و هفت روز هفته آماده ارائه‌اند. به علاوه، دانشجویان فارغ از ناحیه جغرافیایی محل سکونت یا کشور خود، می‌توانند در یک دوره آموزشی شرکت کنند و نیز اینکه، تفاوتها بین کالج و دانشگاه روزبه‌روز محوتر شده و دوره‌های معطوف به مدارک، علاوه بر دانشگاه‌ها در سایر مؤسسات نیز ارائه می‌شود. (همان، ص ۴۳)
- روندهای جهانی شدن تأثیرات عمیقی بر نظامهای آموزشی و از جمله آموزش عالی کشورها بر جا گذاشته است. جهانی شدن موجب به اشتراک نهادن اطلاعات، توسعه نرم‌افزارها، ارزان شدن و در دسترس بودن آنها می‌شود. همین امر، تحوّل در خدمات آموزشی و ساختار مدیریت مراکز آموزشی را به دنبال می‌آورد. آموزش بیش از پیش به کالای عمومی تبدیل شده و نگاه به

دانشگاهها، اقتصادی‌تر از گذشته می‌شود.

در بُعد آموزشی، جهانی‌سازی باعث ایجاد پدیده‌هایی چون: افزایش کالاها و خدمات آموزشی، انقلاب در شیوه‌های خدمات‌رسانی آموزشی و تجدید نظر در تعریف اهداف و برنامه‌های آموزشی در کشورها خواهد شد. (معدن‌دار، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹)

با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقش دو عنصر زمان و مکان، کم‌رنگ و کنترل دولتها بر بخش آموزش به شدت کاهش یافته و نظامهای آموزشی از انحصار دولتها خارج می‌شوند. توسعه شبکه‌های علمی و دانشگاههای مجازی، نظام آموزشی را تبدیل به نظامی دوجانبی کرده است؛ «جهان واقعی» از طریق استمرار روش کلاسیک تدریس رو در رو در کلاس درس و «جهان مجازی» از طریق ارائه دروس به روش الکترونیکی در فضای مجازی فعالیت می‌کنند.

برنامه‌ریزان آموزشی، بدون توجه به اینکه از کدام کشورند، برای اینکه بتوانند بهترین نظام آموزشی را برای کشور خود برگزینند، باید در مورد عواقب جهانی‌شدن آموزش و پرورش به خصوص در قالب تغییراتی که این پدیده در بازار کار ایجاد خواهد کرد، به طور جدی بیاندیشند. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴، ص ۹۵)

حوزه تولید دانش بر خلاف بیشتر بخشهای صنعتی، در فضای جهانی شدن بی‌رقیب مانده است. جریان جهانی اطلاعات و داده‌ها، جزء جدا نشدنی اقتصاد اطلاعاتی در حال ظهور است. در بخش تولید دانش (بخش خروجی) جهانی‌شدن بیشترین تأثیر را بر آموزش عالی گذاشته؛ زیرا دانشگاهها به طور موفقیت‌آمیزی خود را به عنوان تولیدکننده دانش دست اول شناخته و نیز دارای برترین جایگاههای پژوهشی شناخته شده‌اند. (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹-۱۲۸)

لیبرالیسم اقتصادی که به وسیله سازمانهای مختلف منطقه‌ای مانند اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC) و سازمانهای جهانی (GATT) و غیره تقویت شده، چنان در حال جارو کردن جهان می‌باشند که در نهایت، میلیونها اسکلت بر جا می‌گذارند (Chenge, 1999, P.160). البته از نقطه نظر اقتصاد بازرگانی، می‌توان به ایجاد پنج نوع تحول عمده، شامل آزادسازی و یکپارچگی، تخصصی شدن تجارت، تحول در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پیشرفت فناوری و آزادسازی بازار و مقررات در عرصه مذکور اشاره کرد. روشن است که جهانی‌شدن به طور عمده

به وسیله مقاصد اقتصادی تقویت می‌شود، اما تأثیر آن فراتر از اقتصاد بوده و مردم، دولتها، جوامع، فرهنگها و تمدنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حال حاضر بیشترین تأثیرات آن در عرصه سیاستهای اقتصادی نمایان شده است. (Smeets, 1999, P.18)

نکات فوق می‌تواند مبین آن باشد که عمده‌ترین پیامدهای اقتصادی جهانی‌شدن، شامل یکپارچه‌سازی بازرگانی از طریق حذف مرزهای تجاری، تحرک شفاف سرمایه، پخش آن و افزایش عمومی مصرف‌گرایی (بازانسون، ۱۳۷۸، ص ۴۲)، تسلط منطق بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری در شرایط جهانی‌شدن، جریان آزاد سرمایه، درآمد و کالاها (Cook & Kirk, 1997)، لزوم رعایت استلزامات فناوریانه و مقتضیات اقتصاد جهانی در سبک زندگی و فرهنگ (لاتوشه، ۱۳۷۹)، ابزاری شدن آموزش و پرورش در خدمت اقتصاد، بدون توجه به خواسته‌های ملتها و آرمانهای اصیل تعلیم و تربیت، لزوم پایبندی آموزش عالی به اساسنامه اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه برای تربیت نیروی کار و امور اقتصادی، نیاز آموزش عالی به رشد اجتماعی و فرهنگی در سایه توجهات اقتصادی (Kuehn, 2000) بوده است.

به علاوه توجه به اهداف گات، مندرج در ماده اول اساسنامه آن، شامل ارتقای سطح زندگی شهروندان از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجارت میان کشورهای عضو، فراهم آوردن امکانات اشتغال کامل برای همه، افزایش مستمر و مداوم درآمدها، بالابردن میزان تقاضا، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی، افزایش مبادلات و بهبود بخشیدن به نظام تجاری بین کشورهای عضو گات، از زمینه‌های مطرح در این بخش است. (Ibid, 2000)

۲. چگونگی اهداف آموزش عالی ایران در انطباق با بُعد اقتصادی جهانی‌شدن

عمده‌ترین مظهر جهانی‌شدن اقتصاد در سه دهه اخیر، یکپارچه شدن بازارهای مالی و در نتیجه، حذف تدریجی کنترل سرمایه‌ای و کاهش هزینه معاملات در پی جهش فناوریانه اطلاعات و ارتباطات بوده است. تقاضا برای جهانی‌شدن اقتصادی تا حد زیاد ناشی از توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، اعم از سرمایه‌گذاری مستقیم یا مالی بوده که به نوبه خود، افزایش تقاضا برای معاملات ارزی، تسهیلات محافظت در برابر مخاطرات ارزی و امکان استفاده از وام و اعتبارات ارزی از طریق سیستم بانکی یا انتشار اوراق قرضه را مطرح کرده است. (نهادیان، ۱۳۸۶، ص ۴۶)

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۵۱

جدول ۱: تأثیرات اقتصادی جهانی شدن بر اهداف آموزش عالی

ردیف	پیامدهای اقتصادی جهانی شدن برای اهداف آموزش عالی	فراوانی	درصد
۱	ضرورت طرح موضوع تجارت آزاد جهانی در اهداف برنامه‌های درسی	۴۱	۸۲
۲	ضرورت طرح موضوع یکپارچه‌سازی بازرگانی از طریق حذف مرزهای تجاری	۳۵	۷۰
۳	ضرورت طرح موضوع اتخاذ تدابیری در مقابله با مصرف‌گرایی در اهداف برنامه‌های درسی دانشگاهی	۴۷	۹۴
۴	ضرورت طرح موضوع بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری	۳۳	۶۶
۵	ضرورت توجه آموزش عالی به محتوای اقتصاد جهانی شبیه اقتصاد ملی	۳۵	۷۰
۶	ضرورت توجه ویژه آموزش عالی به تأثیر الزامات فناوریانه و مقتضیات اقتصادی بر سبک زندگی و فرهنگ در فرایند جهانی شدن	۳۶	۷۲
۷	عنایت آموزش عالی به امکان ابزاری شدن آموزش و پرورش در خدمت اقتصاد، بدون توجه به خواسته‌های ملتها	۳۸	۷۶
۸	پایبندی آموزش عالی به اساسنامه اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه برای تربیت نیروی کار و امورات اقتصادی	۳۷	۷۴
۹	نیاز جوامع به رشد اجتماعی و فرهنگی در کنار و متأثر از توجهات اقتصادی	۴۱	۸۲
۱۰	ارتقای سطح زندگی شهروندان از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجارت میان کشورها	۴۴	۸۸
۱۱	توجه آموزش عالی به حفظ محیط زیست	۴۱	۸۲
۱۲	توجه آموزش عالی به حقوق مشترک و نقش دولتها	۴۱	۸۲
۱۳	توجه آموزش عالی به فراهم آوردن امکانات اشتغال کامل برای همه	۴۰	۸۰
۱۴	توجه آموزش عالی به مقوله افزایش عمومی مصرف‌گرایی و نحوه برخورد با آن	۳۸	۷۶
۱۵	توجه آموزش عالی به افزایش مستمر و مداوم درآمدها و تأثیرات آن بر زندگی اجتماعی مردم	۳۱	۶۲
۱۶	توجه آموزش عالی به مقوله افزایش میزان تقاضا	۳۵	۷۰
۱۷	توجه آموزش عالی به ضرورت بهره‌برداری کامل از منابع جهانی	۴۸	۹۶
۱۸	توجه آموزش عالی به افزایش مبادلات و ضرورت بهبود بخشیدن به نظام تجاری میان کشورها	۴۲	۸۴
	مجموع	---	۱۰۰

همگامی با تجارت جهانی در حوزه اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است. شکست در این عرصه موجب رکود اقتصادی، بازماندن از جرگه کشورهای پیشرفته صنعتی و هرج و مرج و بی‌ثباتی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. آنچه باید به آن توجه کرد، نقش دانش در حرکت جهانی است که مسئولان در سیاست‌گذاری‌های کلان باید به آن توجه کنند. همچنین حرکت دادن

دانشگاهها از آموزش به سوی پژوهش نیز باید در اولویت کاری آنها قرار گیرد؛ پژوهشی که منجر به تولید علم و در نهایت، توسعه شود.

بهره‌گیری صحیح از نیروی انسانی و همچنین تلاش و هدایت آموزش عالی در جهت کارآفرینی زمینه مهمی است که باید به آن توجه کرد. از مهم‌ترین تحولات جهان آینده، توسعه مبتنی بر اقتصاد دانش محور است که استفاده از مزیت دانش در آن، نقش اصلی و غالب برای تولید ثروت است. دانش در کنار سرمایه، کارگر، زمین و سازمان اقتصادی، مهم‌ترین عامل مزیت نسبی در تولید است. کارآفرینی علاوه بر نوآوری در محصولات جدید، موجب تأمین نیازهای اجتماعی، ایجاد اشتغال برای دیگران، افزایش سودآوری شرکتها، افراد و توسعه فناوری است و این همه، به خصوص مرهون تلاش علمی دانشگاههاست. (همان، ص ۵۱)

بنگاههای اقتصادی از طریق نوآوری قادر خواهند بود از پیشرفت و جایگاه خود در بازار جهانی اطمینان حاصل کنند و این امر به وسیله تربیت و آموزش نیروی کار متخصص در نظام آموزش عالی تضمین خواهد شد. حضور در عرصه جهانی اقتصاد، سیاست و فرهنگ، نیازمند نیروی انسانی متخصص و کارآمد است. از مهم‌ترین آمادگی‌هایی که برای ورود به عرصه جهانی باید فراهم شود، آمادگی تخصصی و مهارتی و تأمین سرمایه انسانی است که به وسیله بخش آموزش و پژوهش دانشگاهی انجام خواهد شد. عرصه آموزش مذکور شامل طیف وسیعی از اهداف، شامل آماده‌سازی مذاکره‌کنندگان برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، آموزش کسانی که بتوانند وجهه ملی ما را در رسانه‌های جهانی طراحی و مدیریت کنند، پژوهشگران حقوقی و تولیدکنندگان دانش دینی متناسب با اقتصاد جهانی و غیره را در بر می‌گیرد.

آموزش نیروی انسانی خلاق و نوآور و سوق دادن سیاستهای آموزش عالی و بودجه‌های پژوهشی به سمت نیازهای رقابتی، حمایت‌های اعتباری قانونی، معنوی و فناورانه برای آگاهی و دستیابی به استانداردهای جهانی و ارتقای وجهه و اعتبار ملی که بسیار بر وجهه و اعتبار کالاها در عرصه رقابت جهانی مؤثر است، مقوله‌هایی مؤثر برای ورود به عرصه‌های جهانی است که نیازمند حمایت‌های دولت در این بخش است. به طور نمونه، اعطای بورس از سوی بخشهای مختلف اقتصادی به دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران نوآور و کارآفرین می‌تواند در غنیمت شمردن و جلوگیری از هدر رفتن اندیشه‌های خلاق کشور مؤثر باشد. (همان، ص ۴۹)

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۵۳

دولت و ملت برای بقا در سیستم جهانی، نیازمند هویت‌سازی و تولید قدرتمند. یکی از مهم‌ترین منابع تولید قدرت فوق، منابع انسانی به ویژه منابع انسانی متخصص است. قدرتهای بزرگ علاوه بر بهره‌گیری از نخبگان بومی، توان جذب یا خریداری نخبگان جهانی را دارند و ملت‌هایی که نخبگان خویش را از کف می‌دهند، در بازی قدرت، برنده نخواهند شد. بهره‌گیری از نخبگان بومی و کاهش زمینه‌های مهاجرت از کشور از یک سو و افزایش زمینه‌های مهاجرپذیری نخبگان از اولویتهای اساسی بقای کشور است. (همان، ص ۳۱)

آموزش عالی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین نیروی انسانی ماهر برای اقتصاد جهانی دارد. نیروی انسانی مورد نیاز برای حضور در اقتصاد جهانی، نیازمند توانایی و صلاحیتهای حرفه‌ای بین‌المللی است. در اقتصاد مبتنی بر دانش، توانایی و دانش از منابع اصلی تشکیل سرمایه‌اند. در بُعد اقتصادی جهانی شدن گفته شد که نظام تولید در مقیاس بین‌الملل، موجب حضور سازمانها و بازارهای خارجی می‌شود. بهره‌گیری از نهادها و خدمات جهانی، امکان استفاده از متخصصان بسیاری از کشورها را فراهم می‌کند. اشتراک با دیگر شرکتهای، موجب تشکیل سرمایه، سهم شدن در هزینه‌ها و ورود به بازارها می‌شود. (قورچیان همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۵۴)

در عصر اطلاعات جهانی، به ویژه در کشورهایی که نابرابری‌های اقتصادی در بخشهای مختلف آن دیده می‌شود، راهبرد آموزشی باید تا حدی ملی باشد. اما شاید سازنده‌ترین راهبرد دولتهای ملی در اقتصاد جهانی این است که آنها به جای اداره سیستم از جایگاه برتر، بیشتر نقش تنظیم‌کننده قوانین و نقش اطلاعات و تساوی بخشی را بر عهده گیرند. (کینگ، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

نوآوری در آموزش عالی در سایه تحولات در زمینه ارتباطات و اطلاعات به نحو بارزی مشهود است. رقابت و نوآوری، در واقع پاسخ به فشارهای جهانی شدن است. بنگاهها باید به طور مداوم نوآوری کنند؛ زیرا اگر چنین نکنند، موجودیت آنها به وسیله دیگرانی که با ایده‌های نو می‌آیند، تهدید می‌شود. از سوی دیگر، نوآوری هم دیگر مثل گذشته، فقط استعداد طبیعی نیست؛ بلکه امروزه «دانش»، عنصر اصلی فرایند نوآوری است. مسئله مهم در نوآوری، تنها تحقیق و کشفیات حاصل از آن نیست، بلکه نحوه سازمان و چگونگی انجام فعالیتهای ضروری برای پشتیبانی از نوآوری نیز اهمیت بسزایی دارد. این بدان معناست که نوآوری و طبعاً رشد اقتصادی، به طور عمده به پشتیبانی به موقع، اصلاح و بازاریابی راه‌حلهای موجود وابسته است. (همان، ص ۳۲)

امروزه تعلیم و تربیت متفاوت از گذشته، از الزامات جهانی شدن اقتصاد است. امروزه نیاز داریم که توانایی یادگیرندگان را برای دستیابی به دانش، ارزیابی، انتخاب و کاربرد آن را رشد دهیم. به علاوه، توانایی قضاوت مناسب و نیز همکاری در معنی بخشیدن به موقعیتهای جدید نیز مهم است. هدف تعلیم و تربیت به هیچ وجه، تنهاحامل مجموعه‌ای از دانش نیست؛ بلکه مقصد، آموزش چگونگی یادگیری حل مسئله و ترکیب قدیم و جدید است. (عطاران، ۱۳۸۳، ص ۵۶-۵۵)

اقتصاد مبتنی بر دانش، عامل کلیدی تولید در شرایط جهانی شدن است. انواع صنایع نوظهور عصر جهانی شدن، همچون: فناوری زیستی، علم مواد جدید، علم ژنتیک انسانی، محاسبه پیشرفته، هوش مصنوعی و رویارویی انسان با رایانه، مستلزم کارکنانی به غایت تربیت شده است که تنها در شرایط تحوّل و تغییر در نظامهای آموزش عالی تربیت خواهند شد.

تحوّل در اهداف، محتوا، روشهای تدریس و ارزشیابی در دانشگاهها می‌تواند ما را به تربیت نسل جدیدی از انسانهای متناسب با اقتصاد جهانی نزدیک کند. در این بین و پیش از هر فعالیتی، لازم است به بازنگری در اهداف مؤسسات آموزش عالی، ضمن ملاحظه دقیق مقتضیات جهانی شدن پردازیم.

نوع و کیفیت عملکرد و محتوای آموزش عالی، در حرکت جهانی اقتصاد مؤثر است؛ به طوری که امروزه شرکتهای تجاری موفق ترجیح می‌دهند بیشتر در کشورها و مناطقی به تحکیم موقعیت خود پردازند که دانشگاهها در آنجا متناسب با عمق ماهیت فناورانه آنها مشغول به کار باشند؛ چرا که اقتصاد مبتنی بر دانش رو به گسترش است و کشورهای پیشرفته، آموزش عالی و نوآوری‌های فناورانه را جایگزین منابع طبیعی برای رشد و توسعه کرده‌اند. (آراسته، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

آموزش عالی از اصلی‌ترین ساز و کارهای جهانی شدن در بُعد اقتصاد است. سرزمین‌زدایی از فعالیتهای اقتصادی، رشد چشمگیر انتقالهای شرکتی و تجارت میان شرکا در سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر همکاری یا ائتلافهای راهبردی در بخشهای مختلف جهان، از نشانه‌های جهانی شدن امور اقتصادی است و همه اینها در سایه نظامهای آموزش عالی، رشد یافته و خواهند یافت. (قریب، ۱۳۸۰، ص ۷۶)

نظام آموزش عالی در سر دو راهی واقع شده؛ زیرا از یک سو متناسب با ملاحظات جهانی شدن، موظف به تربیت نیروی انسانی متناسب با مقتضیات جهانی شدن است و از سوی دیگر، هر نظام آموزش عالی به موقعیتهای فرهنگی، اقلیمی، دینی و ایدئولوژیک خود وابسته است. لذا

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۵۵

کشور و نظام آموزش عالی ما باید از یک سو تربیت‌کننده نیروی انسانی برای اقتصاد جهانی باشد و از سوی دیگر، باید راهکارهایی را در خصوص عدم ابتلا به بلایای اقتصاد لیبرال (پژوهنده، ۱۳۸۲، ص ۶۱) در خود جستجو کند که این دو فعالیت نه چندان همگون برای این نظام، رسالت و وظیفه سنگینی را برقرار خواهد ساخت.

در راستای عدم تأثیرپذیری محض از جهانی‌شدن، هر جامعه برای نظام آموزشی خود اهدافی را در نظر خواهد گرفت که بر حسب آرمانها، فلسفه زندگی و ساختار جامعه به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاص آن خواهد بود.

با عنایت به نکات مذکور و ضمن تأیید اجتناب‌ناپذیری تعامل با جهانی‌شدن در سطوح مختلف جامعه و از جمله در آموزش عالی، باید اذعان کرد برخی از عمده‌ترین وجوه انطباق‌های ضروری در اهداف آموزش عالی ایران با عنایت به ملاحظات بُعد اقتصادی جهانی‌شدن، باید شامل زمینه‌هایی چون: تلاش در تجهیزسازی دانشجویان به توانایی درک و تحلیل متناسب با فرهنگ تجارت جهانی، ایجاد فرهنگ حفظ و توسعه محیط اقتصادی مشترک جهانی، آموزش و ایجاد فرهنگ رعایت حقوق مشترک بین جوامع در فرایندهای اقتصادی بین‌المللی و تبیین نقش دولت در فرایند جهانی‌شدن اقتصادی برای دانشجویان باشد. (Smeets, 1999)

مقوله‌های دیگری نیز می‌توانند در ترویج و توسعه انطباق‌های ضروری در اهداف آموزش عالی مورد توجه واقع شود؛ از جمله: تبیین چگونگی یکپارچه‌سازی اقتصاد جهانی برای دانشجویان و تبیین و نهادینه‌سازی ماهیت حذف مرزهای تجاری برای آنان. (بازانسون، ۱۳۷۸)

نهادینه کردن مفاهیمی همچون: بازار رقابت جهانی و فرایند آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری در بین دانشجویان باید مورد توجه واقع شود (Cook & Kirk, 1997). به علاوه، ضرورت توجه ویژه آموزش عالی به ارتقای مفاهیمی چون: استلزامات فناوریانه و مقتضیات سبک اقتصادی زندگی جدید در قرن بیستم (لاتوشه، ۱۳۷۹) و تبیین مفهوم اشتغال مؤثر و مولد، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی و ارتقای سطح زندگی انسانها از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجاری (اساسنامه گات، ماده اول) از جمله زمینه‌هایی است که لازم است به طور ویژه در اهداف نظام آموزش عالی ایران در بخش اقتصاد تدوین و مورد توجه واقع شود.

نتیجه بررسی دیدگاههای اعضای هیئت علمی دانشگاههای شهر تهران در خصوص اهداف آموزش عالی ایران در انطباق با بُعد اقتصادی جهانی شدن، مبین توجه آنان به مؤلفه‌های مذکور که به ترتیب شامل توجه اهداف آموزش عالی به ضرورت بهره‌برداری کامل از منابع جهانی، توجه اهداف آموزش عالی به اتخاذ تدابیری در مقابله با مصرف‌گرایی در اهداف برنامه‌های درسی، توجه اهداف آموزش عالی به بالابردن سطح زندگی شهروندان از راه مناسبات اقتصادی و تجارت میان کشورها، توجه اهداف آموزش عالی به رشد فرهنگ تجارت جهانی با تأکید بر حقوق مشترک، توجه اهداف آموزش عالی به مفهوم تجارت آزاد جهانی در اهداف برنامه‌های درسی، توجه اهداف آموزش عالی به نیاز رشد اجتماعی و فرهنگی در کنار و متأثر از توجهات اقتصادی، توجه اهداف آموزش عالی به حفظ محیط زیست، توجه اهداف آموزش عالی به حقوق مشترک و نقش دولتها، توجه اهداف آموزش عالی به مفهوم اشتغال مؤثر و مولد در بین دانشجویان، توجه اهداف آموزش عالی به افزایش مبادلات و ضرورت بهبود بخشیدن به نظام تجاری میان کشورها، توجه اهداف آموزش عالی به فراهم آوردن امکانات اشتغال کامل برای همه، توجه اهداف آموزش عالی به موضوع تحرک شفاف سرمایه، توجه اهداف آموزش عالی به امکان ابزاری شدن در خدمت اقتصاد بدون توجه به آرمانهای اصیل تعلیم و تربیت، توجه اهداف آموزش عالی به مقوله افزایش عمومی مصرف‌گرایی و نحوه برخورد با آن، توجه اهداف آموزش عالی به اساسنامه اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه برای تربیت نیروی کار و امور اقتصادی، توجه اهداف آموزش عالی به تأثیر الزامات فناورانه و مقتضیات اقتصادی بر سبک زندگی و فرهنگ، توجه اهداف آموزش عالی به محتوای اقتصاد جهانی شبیه اقتصاد ملی، توجه اهداف آموزش عالی به مفهوم یکپارچه‌سازی بازرگانی از طریق حذف مرزهای تجاری، توجه اهداف آموزش عالی به مقوله افزایش میزان تقاضا، توجه اهداف آموزش عالی به موضوع بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری و ضرورت توجه اهداف آموزش عالی به افزایش مستمر و مداوم درآمدها و تأثیرات آن بر زندگی اجتماعی مردم بوده است.

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۵۷

جدول ۲: عمده‌ترین انطباق‌های ضروری در اهداف آموزش عالی ایران با عنایت به تأثیرات بُعد اقتصادی جهانی شدن

ردیف	عمده‌ترین تغییرات بنیادی در محتوای برنامه‌های درسی آموزش عالی	فراوانی	درصد
۱	زمینه‌سازی رشد فرهنگ تجارت جهانی با تأکید بر حفظ محیط زیست در بین دانشجویان	۴۴	۸۸
۲	زمینه‌سازی رشد فرهنگ تجارت جهانی با تأکید بر حقوق مشترک و تبیین نقش دولت در بین دانشجویان	۴۵	۹۰
۳	تبیین مفهوم یکپارچه‌سازی جهانی و حذف مرزهای تجاری بین دانشجویان	۳۴	۶۸
۴	نهادینه کردن آگاهی از مفهوم بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری در بین دانشجویان	۳۱	۶۲
۵	ارتقای مفاهیم مرتبط با الزامات فناوریانه و مقتضیات اقتصادی سبک زندگی جدید در قرن ۲۱ در بین دانشجویان	۳۵	۷۰
۶	تبیین مفهوم اشتغال مؤثر و موکد در بین دانشجویان	۴۱	۸۲
۷	تبیین مفهوم بهره‌برداری کامل از منابع جهانی در بین دانشجویان	۴۲	۸۴
۸	تبیین مفهوم ارتقای سطح زندگی انسانها از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجاری در بین دانشجویان	۴۰	۸۰

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر چنین استدلال شد که پدیده جهانی شدن، چالش‌های جدیدی برای مؤسسات آموزش عالی به وجود آورده است. می‌توان اظهار کرد که جهانی شدن، فرصت‌ها و تهدیدهای جدی برای آموزش عالی کشورها به همراه دارد. اساس آموزش عالی در دوره‌ای پایه‌ریزی شده که هدف آن، حفظ و گسترش فرهنگ ملی و تربیت نیروی انسانی برای اقتصاد ملی بوده، اما جهانی‌سازی از ارزشهای فراملیتی سخن به میان می‌آورد و از نقش جدید آموزش عالی در ایجاد این ارزشهای مشترک گفتگو می‌کند. از این رو، نوعی تعارض در اهداف کنونی مؤسسات آموزش عالی با آنچه فرایندهای جهانی‌سازی دنبال می‌کند، به چشم می‌خورد. به طور کلی می‌توان وظیفه اصلی آموزش عالی را در این دعوت برای شناخت بیشتر جهان و ارائه راه‌حلهای برای حل مشکلات جهانی و همچنین توجه به مجموعه اقوام و نژادها در کشورهای مختلف خلاصه کرد که آموزش عالی باید در این راه با توجه به فناوری به روز شده و نیز استفاده از ظرفیتهای علمی و پژوهشی مختلف کشور، از جمله دانشجویان، به دنبال ارائه طریق و اجرای آن برای رفع مشکلات جهانی باشد.

می‌توان در برنامه‌ها و سیاستها و به طور کلی تدوین اهداف آموزش عالی، توجه ویژه به نخبگان به عنوان عناصر اصلی تولید دانش (قدرت) داشت. علاوه بر این، با تربیت افرادی متخصص که به فرهنگ بومی آگاهی دارند، در سطح جهانی مطرح شد و در مقابل موج جهانی که با قدرت اقتصادی همراه است، تعامل مثبت و دوسویه داشت.

آموزش عالی به وسیله جریان فناوری، اقتصاد، دانش، مردم، ارزشها و افکار جهانی شدن دگرگون می‌شود (Bassett, 2006, P.5) و در این میان، اقتصاد به طور بارزی در اهداف آموزش عالی جا خواهد داشت؛ زیرا در سایه اقتصادی جهانی شده؛ اشتغال، کارآفرینی، تولید و در نهایت، توسعه کشور تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. پس، مناسب‌تر است که هر چه سریع‌تر تحولات و انطباقهای لازم را در اهداف آموزش عالی متناسب با بُعد اقتصادی آن برقرار کنیم.

مؤسسات آموزش عالی، جوانان را برای اشتغال آماده می‌کنند و بیشتر به نیازهای صنعتی و تجاری پاسخ می‌دهند و چالش آینده، حفظ توازن میان این هدف و هدفهای کمتر سودمدار آموزش عالی است. با وجود اهمیت نقش اقتصادی آموزش عالی، باید همچنان بر هدفهای بلندمدت در آموزش عالی تکیه کرد. آموزش عالی نباید فقط فیلتری برای استخدام باشد و اهداف آن را بر محور آماده کردن دانشجو برای به دست آوردن شغل طرح‌ریزی کنند. (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۶۳)

در آموزش عالی، موفقیت دانشجو برای داشتن زندگی بهتر و بهبود زندگی دیگران حائز اهمیت است. بنابر این، دانشگاهها باید فرصتهای مناسبی برای زندگی و آینده بهتر مردم و کشورها فراهم کنند. (آراسته، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

مهم‌ترین نتایج حاصل از بررسی سؤال ابعاد تأثیرات اقتصادی جهانی شدن بر آموزش عالی، عبارت بود از اینکه امروزه آموزش عالی تحت تأثیر مستقیم جهانی شدن قرار گرفته و در الگوهای اقتصاد نقش بسزایی دارد. جهانی‌شدن اقتصاد در حال خلق نظام تولید دانش مشارکتی بوده و فشارهای رقابتی بین‌المللی مرزهای میان ملتها، نهادها و رشته‌ها را از میان برداشته است. دانشگاهها جزء جدانشدنی نظام مذکور هستند، ولی متأسفانه دانشگاههای کنونی چنانچه باید در میان نهادهای تولید دانش فعال نیستند. (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶-۱۴۵)

اسمیت (۱۹۹۹) به لزوم توجه آموزش عالی به سه هدف عمده، شامل تأمین وفاداری

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۵۹

ایدئولوژیکی جوانان به نظریه تجارت آزاد جهانی با توجه به حفظ محیط زیست، حقوق مشترک و نقش دولت تأکید کرده است.

آخرین اهداف مصوب آموزش عالی ایران (مصوبه مجلس در مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۸ که در تاریخ ۷ شهریورماه ۱۳۸۳ به وسیله رئیس جمهور ابلاغ شد) نشان می‌دهد توسعه علوم و تحقیقات، تأثیر و تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر خلاق و ارتقای فرهنگ علم‌دوستی، اعتدالی موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور، تعمیق و گسترش علوم و معارف و ارزشهای انسانی و اسلامی و اعتدالی جلوه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی، تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی کشور، ارتقای سطح دانش و مهارتهای فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه، حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاهها، مراکز علمی و تحقیقاتی، از زمینه‌های مورد توجه در اهداف مصوب آموزش عالی کشور است.

در پژوهش حاضر با عنایت به مختصات بُعد اقتصادی جهانی شدن و انطباق اهداف کلی آموزش عالی با اهداف مذکور، چنین نتیجه‌گیری شد که دانشگاهها به عنوان نماد آموزش عالی کشور، لازم است در راستای ملاحظه و تعامل متناسب با مقوله‌های یکپارچه‌سازی بازرگانی از طریق حذف مرزهای تجاری، تحرک شفاف سرمایه، پخش آن و افزایش عمومی مصرف‌گرایی (بازانسون، ۱۳۷۸، ص ۴۲) حرکت کنند. به علاوه، در نظر گرفتن ملاحظات بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری در شرایط جهانی شدن و تلاش برای مجهزسازی دانشجویان به توانایی درک و تحلیل متناسب در امور مذکور (Cook & Kirk, 1997) را نیز باید مورد توجه داشت.

لزوم توجه و تعامل متناسب اهداف آموزش عالی با اقتصاد جهانی که شبیه اقتصاد ملی است و جریان آزاد سرمایه، درآمد و کالاها (Cook & Kirk, 1997)، ضرورت توجه ویژه آموزش عالی به تأثیر استلزامات فناوریانه و مقتضیات اقتصادی سبک زندگی بر فرهنگ در فرایند جهانی شدن (لاتوشه، ۱۳۷۹)، عنایت اهداف آموزش عالی به ابزاری شدن آموزش و پرورش در خدمت اقتصاد بدون توجه به خواسته‌های ملتها و آرمانهای اصیل تعلیم و تربیت نیز شایسته تأمل است. در واقع؛ برخی نظامهای آموزشی، موفقیت اقتصادی را هدف قرار داده و برای رسیدن به آن، طالب‌الحاق بی‌واسطه نظام آموزشی کشور خود به ساختار جهانی هستند.

از دیگر زمینه‌های اقتصادی مورد توجه برای ملاحظه در اهداف نظام آموزش عالی، مقوله

پایبندی آموزش عالی به اساسنامه اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه برای تربیت نیروی کار و امور اقتصادی (Kuehn, 2000)، نیاز آموزش عالی به رشد اجتماعی و فرهنگی در سایه توجهات اقتصادی است. (Kuehn, 2000)

از سوی دیگر، لزوم توجه آموزش عالی به اهداف گات، مندرج در ماده اول اساسنامه آن (بالا بردن سطح زندگی شهروندان از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجارت میان کشورهای عضو، فراهم آوردن امکانات اشتغال کامل برای همه، افزایش مستمر و مداوم درآمدها، بالا بردن میزان تقاضا، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی، افزایش مبادلات و بهبود بخشیدن به نظام تجاری بین کشورهای عضو گات، از زمینه‌های مطرح در این بخش است. (Kuehn, 2000)

با عنایت به نکات پیش گفته و ضمن تأیید اجتناب‌ناپذیری تعامل با جهانی شدن در سطوح مختلف جامعه و از جمله در آموزش عالی، باید اذعان کرد برخی از عمده‌ترین وجوه انطباق‌های ضروری در اهداف آموزش عالی ایران با عنایت به ملاحظات بُعد اقتصادی جهانی شدن شامل زمینه‌هایی چون: تلاش آموزش عالی در زمینه‌سازی فرهنگ تجارت جهانی بین دانشجویان، ایجاد فرهنگ حفظ و توسعه محیط اقتصادی جهانی، آموزش و ایجاد فرهنگ رعایت حقوق مشترک بین جوامع در فرایندهای اقتصادی بین‌الملل و تبیین نقش دولت در فرایند جهانی شدن اقتصادی برای دانشجویان خواهد بود.

در راستای انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن، نهادینه کردن مفاهیمی چون: تبیین چگونگی یکپارچه‌سازی اقتصاد جهانی برای دانشجویان و ماهیت حذف مرزهای تجاری برای آنان (بازانسون، ۱۳۷۸)، بازار رقابت جهانی و فرایند آزاد انتقال کالا، خدمات، سرمایه و فناوری، باید مورد توجه واقع شود. (Cook & Kirk, 1997)

به علاوه، ارتقای مفاهیمی چون: استلزامات فناوریانه و مقتضیات سبک اقتصادی زندگی جدید در قرن ۲۱ (لاتوشه، ۱۳۷۹)، تبیین مفهوم اشتغال مؤثر و مولد، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی و ارتقای سطح زندگی انسانها از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجاری (اساسنامه گات، ماده اول)، از جمله زمینه‌هایی است که لازم است به طور ویژه در اهداف نظام آموزش عالی ایران در بخش اقتصاد، تدوین و مورد توجه واقع شود.

همچنین نهادینه‌سازی زمینه‌هایی چون: رشد و اعتلای فرهنگ ملی و مذهبی با تولید و عرضه

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۶۱

محصولات فرهنگی مناسب برای نهادینه کردن فرهنگ کشور و تبلیغ و ترویج در سطح جهانی، توسعه بینش راهبردی و رویکرد جهانی به معضلات کنونی جهان، حفظ آرمانها و ارزشهای دینی - ملی، وفاداری و تعلق به جمع و ایجاد نگرش جهانی، رشد و ایجاد نگرش فراملیتی و توجه به مسائل بزرگ زندگی جهانی، تبیین و گسترش جهان مجازی و هماهنگی و بومی سازی آن با موقعیت فعلی کشور، ایجاد تفکر بی مکانی و فرامرزی و یکپارچگی دولتها، تبیین منافع کشور در منافع مردمان جهان و کشورهای پیرامون، تبدیل واژه ملی به بین الملل، همگانی کردن علم و دانش و فناوری، تکثیر منابع اطلاعاتی و روابط اجتماعی در جماعت مجازی می تواند در این عرصه مناسب باشد.

در پایان می توان به مواردی از آثار و پیامدهای جهانی شدن و تأثیر آن بر آموزش عالی اشاره کرد:

تولید دانش گسترده، تربیت افرادی با شخصیت جامع، صرفه جویی در وقت و هزینه و تولید بیشتر، آموزش همگانی در سطح بالا، از بین رفتن شکل سنتی و ساختار قدیمی دانشگاهها، و در نهایت، تغییر در نوع و شیوه زندگی و کسب لذت بیشتر از زندگی.

همراهی با اقتصاد جهانی، کارآفرینی و ایجاد اشتغال، برقراری رابطه بنگاههای اقتصادی با دانشگاهها و انعقاد قراردادهای آموزشی برای تربیت نیروی متخصص، تربیت عامل نیروی انسانی از طریق ارتقای نوع و سطح آموزشها، جذب نخبگان داخلی با سرمایه گذاری مطلوب و از سویی، نگاهی به نخبگان خارجی و جذب آنها، نکاتی است که باید مد نظر سیاستگذاران آموزشی در تدوین اهداف آموزش عالی ایران قرار گیرد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۷)؛ «جهانی‌شدن و آموزش عالی در دنیای در حال تغییر»، فصلنامه سیاست علمی پژوهشی رهیافت، ش ۴۲ (بهار و تابستان).
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۲)؛ بررسی آثار و پیامدهای جهانی‌شدن بر آینده سیاسی و فرهنگی اقوام (با تأکید بر قوم کُرد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- استادرحیمی، رضا (۱۳۷۷)؛ جهانی‌شدن گفتگوی تمدن‌ها، چستی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- اسکات، پیتر (۱۳۸۷)؛ جهانی‌شدن آموزش عالی، ترجمه رضا فاضلی، تهران، سروش.
- بازانسون، کیت (۱۳۷۸)؛ «اسطوره‌ها، مخاطرات و منافع جهانی‌شدن»، ترجمه ابراهیم عبقری، مجله اندیشه جامعه، ش ۹.
- به‌کیش، محمدمهدی (۱۳۸۰)؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن، تهران، نی.
- پایا، علی (۱۳۸۵)؛ دانشگاه، تفکر علمی نوآوری و حیط، عمومی (مجموعه مقالات)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پیشگاه هادیان، ح. (۱۳۸۱)؛ «جایگاه دولتها در روند جهانی‌شدن»، باور، دوره جدید، ش ۱۱.
- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۲)؛ «جهانی‌شدن فرهنگ»، اندیشه حوزه، سال هشتم، ش ۶.
- خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱)؛ «راهبردهای توسعه آموزش عالی، مطالعه موردی استان گلستان»، فصلنامه سیاست علمی پژوهشی رهیافت، ش ۲۷ (بهار).
- درکی، سیمین (۱۳۸۵)؛ «بررسی تحلیلی راهکارهای عملی و نظری توسعه منابع انسانی از راه آموزش و پرورش برای ورود به گستره تجارت جهانی و بازارهای بین‌المللی»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره دوم، ش ۱-۲ (بهار و تابستان).
- دستمرد، مادح (۱۳۸۲)؛ تأثیر جهانی‌شدن بر تعلیم و تربیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران،

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۶۳

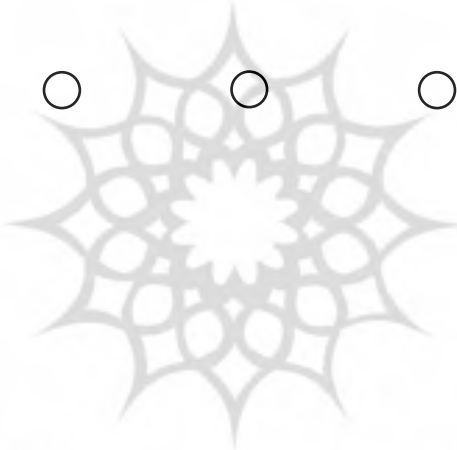
- گروه بنیادهای آموزش و پرورش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- دعایی، حبیب‌الله و مرضیه عالی (۱۳۸۴)؛ **سازمانها در بستر جهانی شدن**، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۴)؛ **دانشگاه ایرانی؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی**، تهران، کویر.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۲)؛ «**جهانی‌شدن و هویت فرهنگی محلی**»، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره جدید، ش ۴.
- شعبانی ورکی، بختیار و نرگس آهنچیان (۱۳۸۵)؛ «**رهبری دانشگاهی و سرمایه اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به مدیریت آموزش عالی**»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره دوم، ش ۴-۳ (پاییز و زمستان).
- عطاران، محمد (۱۳۸۳)؛ **جهانی‌شدن فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت**، تهران، مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- قریب، حسین (۱۳۸۰)؛ «**جهانی‌شدن و چالشهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران**»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶۸-۱۶۷.
- قورچیان، نادرقلی؛ حمیدرضا آراسته و پریش جعفری (۱۳۸۳)؛ **دایره‌المعارف آموزش عالی** (جلد اول)، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- کارنوی، مارتین (۱۳۸۴)؛ **جهانی‌شدن و اصلاحات آموزشی**، ترجمه محمدحسن میرزا محمدی و محمدرضا فریدی، تهران، یسپرون.
- کومسا (۱۳۷۸)؛ «**جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی**»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، مجله اطلاعات سیاسی، سال چهاردهم، ش مسلسل ۱۴۸-۱۴۸.
- کینگ، روجر (۱۳۸۵)؛ **دانشگاه در عصر جهانی‌شدن**، ترجمه محمود سیفی، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن.
- لاتوشه، سرژ (۱۳۷۹)؛ **غریب‌سازی جهان**، ترجمه فرهاد مشتاق‌صف، تهران، سمت.
- مظفری، مهدی (۱۳۷۹)؛ «**سرمایه جهانی و معیارهای جدید تمدن**»، ترجمه آناهیتا شعبانی، روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۶ بهمن.

- معدن‌دار، عباس (۱۳۸۵)؛ آموزش و پرورش تطبیقی (نظریات و تئوری‌های بنیادین)، تهران، جنگل.
- نهایندیان، محمد (۱۳۸۶)؛ متن پیشنهادی سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران در خصوص جهانی‌شدن، تهران، فخر کیا.
- والتر، کنت ان. (۱۳۷۹)؛ جهانی‌شدن: «راه بی‌بازگشت»، ترجمه محمد اسماعیل امینی، حیات نو، تهران، ش ۸۰.
- هدایی، محمد و فاطمه مهدوی (۱۳۸۱)؛ دانشنامه آموزش و پرورش، آموزش عالی و حوزه علمی ایران، اراک، ناشر مؤلف.

- Albrow, Martin (1996). **The Global Age**, Cambridge, Polity Press.
- Bassett, Roberta Malee (2006). **The WTO and the University Globalization**, GATS and American Higher Education Routledge, New York & London.
- Cheng, Lucie (1999). "**Globalization and Womens Paid Labur in Asia**", *International Social Science Journal*, June.
- Cook, Paul & Patrick Kirk (1997). **Globalization, Regionalization and Third World Development**, University of Manchester, L, UK.
- Del Rosario, Malonzo (2003). **Globalization and it Impact on Education**, Teacher College Colombia University Language, Literacy and Teacknology, Spring.
- Eggins, Heather (2003). **Globalization and Reform in Higher Education**, Society for Research into Higher Education & Open University Press.
- Giddens, Anthony & Will Hutton (Ed) (2001). **On The Edgs, Living With Global Capitalism**, London.
- Kohler, Horst (2003). **Toward a Better Globalization**, Tubingen University Press.
- (Kuehn, L. (2000). **Responding to Globalization of Education in the Amercas Strategiestio Support Public Education**.
- Kwiek, Marek (2001). "**Globalization and Higher Education**", *Higher Education in Europe*, Vol.xxvi, No.1
- oghburn,D.(2003).Globarization,Knowledge,Education and Training in The Information Age.Available: www.unesco.org .
- Marber, Peter (1998). **From Third World to World Class: The Future of Emerging Markets in the Global Economy**, Perseus Book.
- McGrew, Anthony (1992). "**The Third World in the New Global Order**", in T. Allen & A. Thomas (Eds), *Porerty and Development in the 1990 S*, Oxford University Press.

بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بُعد اقتصادی جهانی شدن ♦ ۶۵

- Medina, Adriana (2003). "The Impact of Globalization on Higher Education", Available: www.umbc.edu.
- Smeets, Marten (1999). **Globalization: Threat or Promise?**, *Global Dialouge*, Summer, London.
- Robertson, Ronald (1992). **Globalization**, London, Sage.
- Smith, Donald (1999). **Globalization and Education**, Kluwer Academic Publishers.
- Sundaran, A. (2001). "There is nothing that is more Important to One's Future than Education": [Genevaews.com/gnir/html/Current/E2 Alumni.html](http://Genevaews.com/gnir/html/Current/E2_Alumni.html).
- Teichler, Ulrich (2004). "The Changing Debate on Internationalization of Higher Education", *Higher Education*, Vol.48.
- Walker, G. (2001). **Globalization and Education**, International Baccalaureate Organization.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی